

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ  
وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ





## طلیعه تفقه

آشنایی اجمالی با رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی  
(ویژه دانشجویان جدیدالورود)

«ملقه فقاهت نظامساز» مرکز (رشد دانشگاه امام صادق (ع))

**حلقه فقاهت نظام‌ساز مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام**

عنوان گزارش: طلیعه تفکه - آشنایی اجمالی با رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

با تشکر از: مجتبی سلمانی، علی محمدی، محمدصادق ذوقی، علی زارچی پور،

محمدامین سلگی

طراح جلد: سامان قاموس

زمان انتشار: تابستان ۱۳۹۷

نشانی: تهران، اتوبار چمران، پل مدیریت، مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام

تماس با تهیه کنندگان: ۸۸۵۶۱۵۸۷

## **فهرست مطالب**

۷	مقدمه
۱۱	۱. معرفی
۱۲	۲. پیشینه
۱۳	۳. اهداف
۱۳	الف. بنیادین
۱۵	ب. از منظر رسمی و کلاسیک
۱۶	۴. نسبت فقه دانشگاه و فقه حوزه
۱۸	۵. روش مطالعه فقه
۱۹	۶. مروری بر دروس و سرفصل‌ها
۲۱	۷. نسبت رشته‌های فقه و مبانی حقوق و رشته‌های همسو
۲۱	الف. حقوق
۲۲	ب. فقه و حقوق
۲۲	۸. آینده کاری و شغلی
۲۴	۹. فقه و تلفیق علوم انسانی
۲۶	منابع و مأخذ



## مقدمه

حیات انسانی همواره مشحون «انتخاب» است. این انتخاب‌ها می‌تواند در پنج یک انتخاب اختیاری و یا اجباری دیگر باشد. برخی از آن‌ها مقطعي و با تأثير کوتاه بر آينده است و برخی مهم و با اثرات دائمي. يكی از مهمترین انتخابات انسان که دارای اثرات مهم و پايدار بر زندگی فردی و اجتماعی ايشان است، انتخاب اشتغال علمی برای آينده حیات خویش است. اين که قرار است تماماً وقف علم و دانش باشد و اين مسیر را برای رشد خود و دیگران قرار دهد کاملاً مسیر متفاوتی را از دیگر وظایف اجتماعی رقم می‌زند. پس بسیار مهم است که در انتخاب مسیر حیات علمی، بالاترین سرمایه یعنی عمر خود را صرف چه موضوع و طبقه‌ای از علوم نموده و از قبل این دانش چه خدماتی می‌تواند به خود و دیگران داشته باشد. اگر چنین نباشد و انتخاب صحیحی نسبت به نیاز درونی خویش و بیرونی اجتماع صورت نگیرد، غایت امر محقق نخواهد شد (ما قصد لم یقع و ما وقوع لم یقصد).

حال وقتی اين دانش‌اندوزی در بستری همچون دانشگاه امام صادق (ع) صورت پذيرد که محيط خاص، برنامه‌اي مجزا و رسالتی کاملاً متفاوت از دیگر دانشگاه‌های كشور پيش رو دارد، انتخاب مسیر کمی حساس‌تر و نسبت به آينده تعیین‌كننده‌تر خواهد شد. اين مهم وقتی به درجه اهميت مضاعفي

نائل می‌آید که در رابطه با تحصیل در حوزه علوم دینی و خاصه دانش فقه اسلامی باشد. چرا که دارای عقبه تجربی و علمی به طول عمر شریعت است و انتخاب آن باید مبنی بر تمام تجارب و مسیرهای رفته و عبرت از شکستهای موجود باشد.

از طرفی دانشگاه امام صادق(علیه السلام) با در اختیار داشتن ظرفیت عظیمی از نیروی انسانی نخبه و با شکل‌دهی تصویری جامع و مجمع<sup>۱</sup> علیه از رسالت توحیدی و انقلابی، موجب تمرکز و تقویت چند برابری قوا در یک هدف مشترک شده است و لذا وظیفه ایجاد جریان‌های علمی و ملی اثرگذار در حوزه علوم انسانی اسلامی که ابتناء بر رفع نیازهای واقعی جامعه دارد را بر عهده خواهد داشت. این هدف وقتی با پشتونه علوم اسلامی و غنی‌ترین معارف انسان‌شناسانه آن نسبت به حیات سعادتمدانه بشر صورت پذیرد، از خطرات التقاط و انحراف نیز در امان خواهد بود.

دانش فقه اسلامی نیز به مثابه مادر علوم اسلامی جایگاه ویژه‌ای در این بین خواهد داشت. چه اینکه می‌تواند با تراث عظیم فقاہت جواهری از طرفی در مقابل تمامی مکاتب و نظام وارههای علمی و اجتماعی، مکتب و نظام علمی و راهبردی اسلام را در اداره دانش‌بنیان اجتماع ارائه دهد و هم از طرفی می‌تواند با آبشخور معارف توحیدی که تبلور اراده خالق انسان است، ابتناء بنیادهای معرفتی خویش را بر مسائل واقعی فرد و اجتماع قرار خواهد دهد و بدین ترتیب نیز از انتزاعیات غیرکاربردی رها شود.

دانشجوی رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی خاصه در دانشگاه امام صادق(علیه السلام) باید به تمامی ابعاد نظری و جغرافیای دانش فقه اسلامی در هندسه معارف دینی و نقش راهبردی آن در جامعه سازی پی‌برد تا مسیر وی برای رسیدن به غایات مذکور هموار گردد. این مهم برآورده نخواهد شد مگر با خودآگاهی و همت، مشورت و توکل در ترسیم نقشه راه.

در این نگاشته تلاش شده است تا حدودی افق‌ها و مسیر حرکت در این رشته دانشگاهی ترسیم گردد. موضوعات و محورهای پرداخته شده ملهم از سؤالات پربسامدی است که عموماً دانشجویان جدیدالورود به رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی با آن رو به رو می‌شوند. امید است با راهنمایی‌ها و انتقال نکات قوت و ضعف، در آینده نزدیک این وجیزه از غنای بیشتری برخوردار گردد.



## ۱. معرفی

فقه در لغت به معنای مطلق فهم یا فهم دقیق مسائل نظری است و در اصطلاح استخراج و استنباط احکام شرعی از منابع دینی همانند قرآن، سنت، عقل و اجماع است. انسان پس از ایمان به خداوند و دین آسمانی او، از آنجا که خود را بنده خداوند می‌شمرد، بر خود لازم می‌داند که رفتار و کردار خود را در همه جنبه‌های زندگی بر اساس قانون آسمانی و شریعت اسلام تنظیم نماید. از آن رو که اوامر و نواهی شریعت در همه وقایع و رویدادها واضح و مشخص نبوده، بنابراین تعیین وظیفه انسان در برابر شریعت آسمانی، نیازمند بحث علمی دقیق و بررسی گستردگی است. لذا علمی در میان مسلمانان پدید آمد تا عهده‌دار کشف و تنظیم این وظایف به نحو مدون شود. این دانش همان فقه است که عبارت است از آشنایی مستدل با تعیین وظیفه شرعی انسان در برابر هر واقعه و وظیفه شرعی، یعنی نحوه رفتاری که تعییت از دین، انسان را بدان و امید دارد تا بر طبق آن عمل کند. همچنانکه فرد در تشخیص حکم فعل خود نیازمند حجت شرعی برخاسته از فقه است، اداره جامعه و حکومت نیز در راستای اعمال حاکمیت خود از طریق نهادها و نظام‌ها محتاج به حجت شرعی است که فقه در حوزه نظام‌سازی متکفل این مهم است و همین نکته باعث تأکید بر فقه‌های مضاف و بین‌رشته‌ای در دانشگاه نیز شده است.

## ۲. پیشینه

دانش فقه قدیمی‌ترین و اصیل‌ترین رشته از دانش‌های دینی و اسلامی است که پایه‌های آن در زمان نبی مکرم اسلام (صلوات‌الله‌علی‌ہی و‌آله‌ہی و‌سلم) و ائمه اطهار (علیهم‌الصلوٰۃ والسلام) نهاده شده است و به جهت نیاز فراوان مسلمانان به احکام الهی در زندگی روزمره خود رشد و بالندگی بسیاری داشته است.<sup>۱</sup> لذا چنین عقبه و قدمتی که همسو با عمر شریف شریعت است، این دانش را نسبت به دیگر دانش‌های اسلامی و گرایش‌های تخصصی رشته الهیات و معارف اسلامی ممتاز نموده است. از طرف دیگر نوظهور نبودن علم فقه اسلامی باعث شده در طول تاریخ حیات شریعت در معرض تضارب آراء بسیاری از اندیشمندان و دین‌پژوهان در طول اعصار مختلف قرار گرفته و از پختگی، انسجام و مکاتب فکری و روشی متعددی برخوردار گردیده که قلمرو و شمولیت موضوعات این دانش را بسیار گسترده نموده است. به نحوی که برخلاف برخی علوم که با تضییق ابعاد نگرش خود صرفاً به بخش محدودی از زیست انسانی می‌پردازد، این دانش تمامی لایه‌های فردی و اجتماعی انسان در ابعاد دنیوی و اخروی را موضوع خود دانسته و در طول تاریخ این علم نیز علمای آن به وفور به چنین موضوعاتی پرداخته و این تراث غنی فقاهت را برای امروز به جای گذاشته‌اند. اساساً فقهاء اسلامی در طول تاریخ، بیشترین ارتباط فکری و عملی را با بدنۀ عمومی اجتماع و همچنین عرصه‌های مهم حکمرانی و حاکمیتی داشته‌اند و این به سبب ماهیت این دانش است که نقش آفرینی واقعی و ملموسی در حیات اجتماعی انسان‌ها و اداره امور آن‌ها داشته است.

تا پیش از تأسیس دانشگاه در ایران فقه اصلی‌ترین دانش مورد توجه در حوزه‌های علمیه بوده است و هم‌اکنون نیز طلاق حوزه‌های علمیه فقه را به

۱. واجب کفایی بودن این دانش نیز به رشد آن کمک بسزایی نموده است. آیه مبارکه «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيُنْفِرُوا كِافَةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيُنَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلَيُنَذِّرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه / آیه ۲۲) بر این امر دلالت دارد.

عنوان محوری ترین درس حوزوی می‌آموزند، لکن با تأسیس دانشگاه، برای نخستین بار به صورت رشتہ دانشگاهی در سال ۱۳۱۳ در دانشکده معقول و منقول (دانشکده الهیات امروزی) دانشگاه تهران تدریس گردید.

### ۳. اهداف

اهداف این رشتہ علمی را می‌توان در دو بعد بنیادین و رسمی کلاسیک تقسیم‌بندی نمود.

#### الف. بنیادین

طبق بیان شریعت انسان برای رسیدن به مقام عبودیت و بندگی خداوند خلق شده است «وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونَ» (ذاریات / آیه ۵۶). لذا باید تمام تلاش خود را معطوف به رسیدن به این هدف نماید والا هر چه غیر آن محقق شود خروج از مسیری است که خداوند متعال برای سعادت وی قرار داده و او در خسران عظیم خواهد بود. مانند کسی که سرمایه مهمی را مدتی در اختیار داشته و نتوانسته از آن کسب منفعت لازم را ببرد و موعد بازپس‌دهی آن سرمایه پشیمان و محزون است که چرا این فرصت بی‌نظیر را در مسیر صحیح کسب بیشترین منفعت قرار نداد.

برای رسیدن به مقام عبودیت نیز چاره‌ای جز کسب معرفت و شناخت نیست. لذا معرفت را می‌توان از لوازم ذاتی عبودیت تلقی نمود به نحوی که برای ایجاد عبودیت معرفت نیز حاصل شود.

این معرفت باید ناظر به وظایف و بایدهایی باشد که قرار است انسان را به مقام عبودیت نائل آورد. به همین جهت، معرفت نسبت به وظایف دینی و الهی و سپس عمل به آن‌ها تنها مسیری است که می‌تواند انسان را به هدف خلقت خود یعنی مقام عبودیت حق تعالی نزدیک نماید. از طرف دیگر تنها بستری که موجب تحقق این مسیر و رسیدن به مقام عبودیت می‌شود، «فقه

الله الاکبر» است که فرد مکلف را نسبت به تمام ابعاد نظری و عملی دین آگاه و عارف می‌نماید، پس باید آن را شناخت و بدان عمل کرد.

در این تفسیر از هدف دانش فقه تمامی ابعاد از نیازهای فردی و اجتماعی بدان پاسخ داده می‌شود. زیرا انسان در بعد فردی نیاز به مجموعه‌ای از رهنمودها در راستای فهم غایت بینایین از زندگی و حیاتش دارد تا از پوچی و تصور خلقت بیهوده نجات یابد. از طرف دیگر با شناخت نظام علی و وجود خداوند متعال و دستگاه شریعت، نیازمند دستگاهی است تا به وسیله آن چارچوب عمل خود را معین نماید. این عمل می‌تواند تمام نظام ارتباطی او را با خود، خدا، دیگر انسان‌ها و دیگر موجودات (مادی و غیری) تنظیم نماید. بشری که فطرتاً منفعت طلب است در تعارض دائمی منافع خود با دیگران، نیازمند قوانینی است که با شناخت کامل از ابعاد ناشناخته این موجود عظیم، رابطه وی با هستی (خدا، خود و دیگران موجودات) را مدیریت نماید.

از طرف دیگر با پیچیده شدن روابط انسانی و اقتصادیات حیاط جمعی<sup>۱</sup> نیازمند مجموعه دستوراتی است که بتواند به وسیله آن‌ها اثرات جمعی فعل فردی انسان‌ها که کاملاً متفاوت با اثر فردی فعل آنهاست را مدیریت نماید. بنیاد پاسخ به تمام این نیازها در دانش فقه اسلامی نهفته است؛ اگرچه هم اکنون با تمام ابعاد از قوه به فعل نرسیده لیکن بستر و خواستگاه اصلی پاسخگویی به چنین نیازی چنین دانشی است.

امروزه با تشکیل حکومت اسلامی ایران نیازمند طراحی ساختارها، نظام‌ها و مدل‌های مدیریتی برای پاسخگویی به مسائل عصر حاضر بشری، بیش از پیش نیاز به اندیشه‌ورزی فقهی و طراحی نظام‌واره‌های اجتماعی و سیاسی در افق فقاهت اسلامی هستیم تا بتوان کارآمدی دین را در عرصه تمدن‌سازی نوین جهانی به عنوان یک الگوی برتر در مقابل مدل‌های رقیب

۱. که برخلاف تفسیر غلط الحادی، انسان از ابتدای خلقت و با ظهور پیامبران الهی، حیات اجتماعی داشته و با مسئله اداره اجتماع روپرتو بوده است.

و الحادی به منصه ظهور رساند.

### ب. از منظر رسمی و کلاسیک

بیان سابق، از دیدگاه بنیادین و نظری اهداف و غایت نهادینه شده در فقه اسلامی را ارائه نمود. لیکن می‌توان از منظر کلاسیک و دانشگاهی برخی اهداف تأسیس رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی در دانشگاه را برشمرد که لزوماً دارای ارزش و اهمیت یکسان نیست. لیکن این موارد ذیل غایاتی است که با توجه به سیاست‌گذاری‌های صورت گرفته به طور طبیعی می‌تواند برای این رشته علمی متصور باشد و متناسب با ظرفیت، استعداد، عالیق دانشجویان و در نهایت نیازهای واقعی جامعه مورد انتخاب دانشپژوهان قرار گیرد ولی مؤکداً باید متذکر شد که دارای ارزش و اهمیت یکسان نیست:

- ۱- تربیت مدرسین مورد نیاز دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در رشته‌های الهیات و حقوق.
- ۲- تربیت محققین و پژوهشگران در عرصه دین‌پژوهی و مبانی حقوق اسلامی که علاوه بر ابعاد آموزشی فعالیت در این رشته به تحقیق و پژوهش ناظر به نظام مسائل انقلاب اسلامی و بنیاد نظری دین می‌پردازند.
- ۳- تربیت کارشناسان مورد نیاز دستگاه قضایی کشور.
- ۴- تربیت کارشناسان، مدرسین و مبلغین فرهنگی و تبلیغی دین.<sup>۱</sup>

۱. مسلمآ موارد سوم و چهارم در این هدف‌گذاری، نیازمند سinx متفاوتی از مطالعات و برنامه‌ریزی‌های درسی برای دانشپژوهان است که البته تاکنون چنین تکمیک رسمی در برنامه‌ریزی‌های آموزشی صورت نپذیرفته است لیکن دانشپژوه خود باید واقع به این مستله باشد و با انتخاب هدف مناسب، برنامه مطالعاتی و درسی مناسب را انتخاب نماید. مثلاً شخصی که علاقمند به فعالیت تبلیغی بوده و بنا دارد نقطه ثقل فعالیت خود در آینده را معطوف به امور تبلیغی و یا فعالیت در عرصه حقوقی و قضایی نماید به یک سبک مطالعه متفاوت از شخصی که در صدد مدرس و نظریه‌پرداز شدن است، خواهد داشت.

## ۴. نسبت فقه دانشگاه و فقه حوزه

یکی از سؤالات بسیار رایج و پُرپسامد در بین دانشجویان علاقه‌مند رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی خاصه کسانی که با علاقه به فقه‌اندوزی و پرداختن به نفس دانش فقه و اصول به سراغ این رشته آمده‌اند این است که تفاوت فقه در دانشگاه و حوزه چیست؟ با توجه به این که متولی اصلی «فقیه» پروری و اندیشه‌ورزی فقه در حوزه‌های علمیه بوده و هست، وجوده ممیزه و به طور کلی محسن و معایب پرداختن به رشته فقه در حوزه و دانشگاه چیست؟ در پاسخ به این سؤالات باید چنین گفت مسلماً برنامه رسمی حوزه با توجه به زمان موسع و هدف‌گذاری نقطه‌ای برای تربیت متخصصان در دانش فقه اسلامی بسیاری از سرفصل‌ها و منابع اصلی فقهی را به طور طبیعی پوشش می‌دهد. لذا حذف و یا فشرده‌سازی‌هایی که قاعده‌تاً منجر به تضعیف تسلط به تمامی مباحث و موضوعات مطروحه در منابع است را در این برنامه نخواهیم داشت. برخلاف دانشگاه که به دلیل فرصت محدودتر به تکمیل برخی از سرفصل‌های مهم در منابع مطالعاتی نمی‌رسد و مدرس مجبور به حذف قطعات مختلف از موضوعات یک باب و فصل گردیده و یا به طور کلی برخی از ابواب و کتب فقهی مورد تدریس قرار نمی‌گیرد. لیکن این به معنای عدم امکان جبران این نقیصه نیست. بلکه دانشگاه صرفاً به دلیل محدودیت زمانی نمی‌تواند در برنامه رسمی خود بسیاری از سرفصل‌های منابع مطالعاتی را پوشش دهد لیکن دانشجوی فعال و علاقه‌مند می‌تواند از وقت خود استفاده بهینه نموده و با برنامه‌ریزی دقیق خلاهای موجود در برنامه رسمی دانشگاه را به وسیله اوقات فراغت خود پر نماید. فرصت‌های طلایی و بسیار گرانبها مانند تعطیلات بین دو ترم، نوروز، تابستان و ساعات پراکنده زیادی که خصوصاً از سال‌های دوم و سوم دانشجویی به بعد و با کمتر شدن تراکم واحدهای درسی، برای دانشجو

ایجاد می‌شود بهترین فرصت برای تکمیل منابع و سرمایه‌گذاری در مطالعه تمامی سرفصل‌ها و منابع اصلی دروس فقه و اصول است. در این بین نیز باید اهتمام به ارتباط با استادی فاضل، متقدی و شاگردپرور داشت تا از این جهت نواقص عدم حضور در حوزه نیز جبران شود.

این بخش از تفاوت ناظر به منابع اصلی و تکمیل آنهاست که حوزه در برنامه رسمی آموزشی خود نسبت به دانشگاه این برتری را دارد. لیکن همان‌طور که واضح است اساساً غایت اندیشه‌ورزی فقهی در گرو به کارگیری تراث عظیم فقهی و اصولی و پاسخگویی به «نیازهای واقعی جامعه» است و از آنجا که مسائل امروز در ابعاد پیچیده از حوزه‌های مختلف علوم انسانی و... است چاره‌ای جز ایجاد رابطه بین فقه و علوم دیگر خاصه علوم انسانی و ناظر به عرصه‌های حکمرانی و اجتماع نیست. به طوری که صرفاً تجمیع علوم در نفس، بدون به کارگیری آنها در رفع نیازهای فردی و اجتماعی، مصدق بارز آیه شریفه است که فرمود: **«مَئُلُ الْذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَئِلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا»** (جمعه / آیه ۵) - وصف حال آنان که علم تورات بر آنان نهاده شد (و به بدان مکلف شدند) ولی به آن عمل نکردن در مثل به حماری ماند که بار کتاب‌ها بر پشت کشد (و از آن هیچ نفهمند و بهره نبرد). لذا باید دقت داشت که چه‌طور می‌توان در به کارگیری فقاهت اسلامی تمام تلاش و جهت خویش را به کار گرفت.

این مهم با توجه به حضور رشته‌های تخصصی علوم انسانی در دانشگاه و ایجاد بسترها می‌نماید ارتباط در پرداخت دقیق، متمرکز و نظاممند به مسائل واقعی جامعه به منصه ظهور می‌رسد و از این جهت فقه‌آموزی دانشگاه در بستر فقه‌های مضاف می‌تواند مسئله محور بوده و ناظر به نیازهای واقعی جامعه طراحی شود. البته این مسلم است که عموماً در دانشگاه کسی نمی‌تواند به مقام اجتهاد نائل آید لیکن با برنامه‌ریزی، جدیت و پشتکار می‌توان مقدمات

وصول به قوه استنباط را به طور کامل و در همان مدت زمانی معمول حوزوی برای کسب مقدمات، تحصیل نمود و پس از پایان تحصیلات در دانشگاه برای جبران مافات و تکمیل فرآیند تحصیل تا مقام اجتهداد به حوزه علمیه رفت و علم آموزی را نه لزوماً در برنامه رسمی درسی، بلکه حسب نیازهای واقعی و خلاهای باقی مانده از دوران تحصیل در دانشگاه، بی جویی نمود. بدین ترتیب دانشجو بر اساس چنین برنامه‌ای هم دروس مقدماتی حوزوی خود را تا آستانه اجتهداد به خوبی و با تعمیق برنامه حوزه علمیه مطالعه کرده است و هم می‌تواند با انتخاب یکی از حوزه‌های علوم انسانی و ارتباط با اساتید و پژوهشگران آن حوزه و تکمیل مطالعات خود، در پایان تحصیل متخصص فقه مضاف در یکی از عرصه‌های ارتباطی فقه و علوم انسانی شده باشد.

## ۵. روش مطالعه فقه

متن محوری و لزوم ارتباط با متون کهن این ضرورت را ایجاد می‌کند تا دانش‌پژوهان این رشته از کلاس و حضور در محضر استاد بی‌نیاز نباشند. برخلاف بسیاری از رشته‌ها و علومی که با متن‌های ساده و محتوای رقیق، شرایط را برای خودآموزی دانشجو فراهم می‌کنند، رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی با ابتناء بر منابع اصیل فقهی و اصولی، نیازمند تدریس و تبیین متن توسط استاد است. لذا یکی از مهمترین ضرورت‌ها در روش مطالعه، حضور باکیفیت و مستمر در کلاس‌های درس و استفاده از اساتید این حوزه است.

با این حال صرف حضور در کلاس نمی‌تواند تمام شرایط یادگیری کامل را فراهم آورد بلکه نیاز به جهد و کوشش دانشجو قبل و بعد از کلاس می‌باشد. مرسوم است که از قدیم‌الایام به طلبه جویای معارف دینی توصیه به پیش مطالعه و مباحثه بعد از درس می‌شد. لیکن به نظر می‌رسد دانشجو باید پیش از کلاس، مطلب را در کلنگار رفتن با متن عربی اصلی، پیش مطالعه کند تا نقاط و نکات غامض متن و مطلب مشخص شود، سپس به شرح و حواشی

(ترجیحاً عربی) مراجعه نموده و اگر نیاز بیشتر ایجاد شد از اصوات تدریس استادی آن درس استفاده نمایند. دانشپژوه باید سعی و همت خود را معطوف کند پیش از کلاس اکثر مطلب را فرا بگیرد و سپس با دیگر دوستان خود قبل از کلاس مطلب و محتوایی که بنای تدریس در آن کلاس هست را مباحثه نماید و با ذهن آماده در کلاس درس حاضر شود. می‌توان به ضرس قاطع گفت کلاس برای چنین شخصی با چنین برنامه‌ای بالاترین حد از بهره‌وری را خواهد داشت؛ به نحوی که چنین کلاسی دیگر یک کلاس صرف آموزشی برای این دانشجو نخواهد بود بلکه دانشجو به جغرافیای مطلب اشرف دارد و کلاس برایش یک کلاس رفع اشکال و بحث و گفت‌وگو است. بر این اساس وی می‌تواند مطالبی را که در مطالعه شخصی خودش و مباحثه درست فهم نشده است را تعمیق بخشد. پس از کلاس نیز در آخر هفته اگر با خلاصه‌نویسی برنامه‌ای برای مرور مطالب هفته گذشته قرار گیرد، مراحل یادگیری و نهادینه کردن مطلب در حافظه بلندمدت صورت خواهد گرفت.

## ۶. مروری بر دروس و سرفصل‌ها

رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دارای عناوین و سرفصل‌هایی است که دانشجو در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری آن‌ها را مورد مطالعه قرار می‌دهد. این عناوین و سرفصل‌ها عموماً در مقاطع سه‌گانه یکسان است و صرفاً عمق مطلب و کمیت آن حسب منابع تدریس در مقاطع مختلف متفاوت می‌شود. یعنی دانشجو در مقاطع پایین سطح کمی و کفی پایین و ساده‌تری از مطالب فقهی و اصولی را فرا می‌گیرد و در مقاطع بالاتر منابع مهمتر و در عین حال پیچیده‌تر و سخت‌تری در دستور کار آموزش وی خواهد بود. همچنین در کنار واحدهای تخصصی فقهی و اصولی، تعدادی از واحدهای عمومی و همچنین سرفصل‌های مربوط به رشته حقوق نیز در برنامه درسی رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی موجود است.

به طور اجمالی، اشاره و توضیح کوتاهی در مورد منابع و سرفصل‌های اصلی در ادامه خواهد آمد:

- **فقه:** دانشی اسلامی است برای به دست آوردن احکام و تکالیف دینی که از طریق استدلال و تحقیق در منابع چهارگانه (قرآن، سنت، اجماع و عقل) به دست می‌آید.
- **فقه مقارن:** بررسی تطبیقی آراء فقهی از فقیهان مختلف که می‌تواند شامل بررسی آراء فقهای یک مذهب و یا مذاهب مختلف گردد.
- **اصول فقه:** یکی از علوم متاخر نسبت به دانش فقه است که مجموعه‌ای از قواعد و ابزار استنباط را در خدمت علم فقه قرار می‌دهد. این علم نسبت به فقه یک دانش ابزاری است.
- **آیات الاحکام:** حوزه‌ای از مطالعات فقهی است که آیات قرآن را با هدف استخدام عناصر فقهی و استخراج تکالیف عملی آن‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد.
- **تاریخ فقه و فقهاء:** بررسی‌های تاریخی پیرامون مکاتب فکری و آشنایی با فقیهان و مشرب‌های فکری آن‌ها.
- **قواعد فقه:** قواعد فقهی در مقابل قواعد اصولی است و به آن دسته از احکام کلی خطاب می‌شود که در ابواب گوناگون فقه جریان داشته و موجب استنباط احکام جزئی‌تر می‌شود.
- **آشنایی با علم رجال و درایه:** علوم رجال و درایه مجموعه بحث‌های تخصصی پیرامون سندشناسی، ناقلین حدیث و نحوه تشخیص و بررسی احادیث معتبر و غیرمعتبر می‌باشد. این علوم نقش ویژه‌ای در تکمیل فرآیند استنباط به عهده خواهد داشت.
- **آشنایی با حقوق مدنی، حقوق تجارت و...:** این دروس در حد آشنایی با ادبیات و برخی رئوس مطالب در گرایش مختلف حقوقی است.

## ۷. نسبت رشته‌های فقه و مبانی حقوق و رشته‌های همسو

### الف. حقوق

تمام روابط فردی و اجتماعی که می‌تواند محل ایجاد حق و تکلیف قرار گیرد، موضوع این علم است. این روابط می‌تواند در صدد تنظیم حقوق و تکالیف مردم و دولت نسبت به یکدیگر باشد که «حقوق عمومی» نام دارد و یا شامل روابط افراد با یکدیگر می‌گردد که «حقوق خصوصی» نامیده می‌شود. به عبارت دیگر حقوق عمومی شامل حقوق قوای سه‌گانه کشور، حاکمیت و آنچه مربوط به اداره کشور است، می‌شود و حقوق خصوصی به روابط بین خود مردم می‌پردازد که مهم‌ترین آن‌ها روابط تجاری است و رشته حقوق تجارت برای آن ایجاد شده است و یا مسائل مربوط به حقوق مدنی است که از آن جمله می‌توان به اموال، مالکیت، قراردادها، مسئولیت‌هایی که اشخاص در خطاهایی که مرتکب می‌شوند برایشان به وجود می‌آید مثل مسئولیت ناشی از حوادث، قواعد مربوط به ارث، وصیت، ولادت، اقامتگاه اشخاص و دهها مورد دیگر اشاره کرد.

حقوق به روابط بین افراد با یکدیگر، روابط افراد با حکومت و همچنین تنظیم روابط دولت‌ها با یکدیگر می‌پردازد و در کنار آن فقه نیز تمامی این عرصه‌ها را موضوع خود قرار می‌دهد؛ به همین دلیل مبنا و پایه حقوق در کشور ما فقه است؛ لذا مباحث فقهی که در این حوزه قرار می‌گیرد در کنار مباحث حقوقی مطرح می‌شود و می‌توانیم بگوییم بخشی از فقه ما که بیشتر فقه معاملات است به معنای اعم کلمه در روابط حقوقی نیز مطرح می‌شود. جدای از اینکه حقوق مجموعه قوانین و مقرراتی است که در یک اجتماع به عنوان اینکه اجتماع است حاکم است و فقه بنیان‌های نظری جهان شمولی در این عرصه در اختیار دارد.

### ب. فقه و حقوق

رشته فقه و حقوق در ابتدا زیرمجموعه رشته فقه و معارف اسلامی بود که چهار گرایش داشت و یکی از گرایش‌های آن گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی را شامل می‌شد. بعد از مدتی دانشگاه‌ها رشته فقه و حقوق را مستقل از رشته معارف اسلامی تأسیس کردند و در حال حاضر به‌طور مستقل رشته فقه و حقوق وجود دارد. رشته فقه و حقوق اسلامی در مقطع کارشناسی تدریس می‌شود؛ اما بعد از مقطع کارشناسی گرایش‌هایی برای این رشته تعریف شده است. در بعضی از دانشگاه‌ها فقه و حقوق جزا و در برخی دیگر رشته فقه و حقوق خصوصی برای ادامه تحصیلات عالی طراحی شده است. برخلاف این رشته از آنجا که فقه و مبانی حقوق اسلامی از گرایش‌های رشته الهیات می‌باشد مباحث حقوقی به صورت بسیار مختصر و گذرا مطالعه می‌شود.

تفاوت این دو رشته با حقوق در این است که برخلاف رشته حقوق که در آن متن قوانین اساس کار قرار می‌گیرد، در این دو رشته مباحث فقهی محوریت دارد. همچنین در رشته حقوق دوره کامل حقوق مدنی مطالعه شده و در این دو رشته دوره نسبتاً کامل فقه مطالعه می‌شود. دروسی همچون حقوق جزا، حقوق تجارت، آینین دادرسی مدنی و کیفری، حقوق بین‌الملل عمومی و خصوصی که در رشته حقوق از دروس اصلی محسوب می‌شود، در این دو رشته بصورت کاملاً مختصر مطالعه می‌شود. برخلاف صرف و نحو عربی، اصول و فقه، دارای میزان واحد قابل توجهی در این دو رشته است.

### ۸. آینده کاری و شغلی

عالیم دین و معارف الهی شدن نباید به عنوان یک شغل و کسب درآمد مورد توجه قرار گیرد.<sup>۱</sup> هرچند که عالیم دین و کسی که آینده کاری و فعالیت خود

---

۱. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در این باره چنین می‌فرمایند: «اگر طلبه و روحانی ما برای استخدام درس خوانند، به درد عالم روحانیت نمی‌خورد. طلبه باید درس بخواند و واعظ و محقق و مدرس و کتاب نویس

را فراغیری دانش دینی و یا استنباط و اجرای احکام دین (همچون قضات) قرار می‌دهد لاجرم باید به اندازه نیازش از طرق مطروحه تأمین مالی گردد. محصل در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی که در صدد رسیدن به اجتهد و مقام نظریه‌پردازی در عرصه‌های دینی و پاسخگویی به نیازها و مسائل انقلاب اسلامی است نباید تمام اهداف خود را معطوف به انگیزه‌های مادی و شغلی آینده این رشته نماید که در روایت نیز آمده است:

«هر کس روزی ای دارد که حتماً به او خواهد رسید. پس هر کس به آن راضی شود، برایش پُر برکت خواهد شد و او را بس خواهد بود و هر کس به آن راضی نباشد، نه برکت خواهد یافت و نه او را بس خواهد بود. روزی در پی انسان است، آن گونه که اجلش در پی اوست».<sup>۱</sup>

پس انسان باید تلاش کند وظیفه خود در عصر حاضر را تشخیص دهد. وظیفه‌ای که نسبت به دین و جامعه بر عهده وی می‌باشد و او شرعاً مکلف است با تحصیل علم به خلاها و نیازهای موجود بپردازد. با تمام این اوصاف آینده کاری رشته فقه و مبانی حقوق در چند حوزه قرار می‌گیرد:

- الف. فعالیت علمی صرف (آموزشی و پژوهشی): که اعم از فعالیت در مؤسسات و مراکز علمی پژوهشی در راستای ایفای نقش معلمی و انجام پژوهش‌های علمی در موضوعات و مسائل مختلف مرتبط با حوزه تخصصی.
- ب. فعالیت علمی ناظر به اجرا: مانند حوزه قضاء، وکالت، سردفتری و مسئولیت‌های اجرایی که می‌تواند ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با

و ملای فلان محل و فلان شهر، مردمی و در اختیار مردم باشد و آن اگر برای استخدام درس بخواند، پس همان روحانیت وابسته‌ای است که ما این قدر در عالم مسیحیت و یا در عالم زهاد اهل تسنن برایش بد می‌گفتیم (خامنه‌ای، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۸۱۷).

۱. «إِنَّ لِكُلِّ أَمْرٍ رِّزْقًا هُوَ يَأْتِيهِ لَا مَحَالَةَ فَمَنْ رَضِيَ بِهِ بُورِكَ لَهُ فِيهِ وَسَعْةٌ وَمَنْ لَمْ يَرْضِ بِهِ لَمْ يُبَارِكَ لَهُ فِيهِ وَلَمْ يَسْتَغْنِ إِنَّ الرِّزْقَ لَيَطْلُبُ الرَّجُلَ كَمَا يَطْلُبُهُ أَجْلُهُ» (دلیلی، ۱۴۰۹: ۳۴۲)

تخصص فرد داشته باشد. فارغ‌التحصیلان رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی می‌توانند همانند فارغ‌التحصیلان رشته حقوق در آزمون‌های مرتبط آینده شغلی قضاوت، وکالت و سرديفتری را نیز برای خود انتخاب کنند. مسلماً در صورت داشتن چنین هدفی سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی در دروس حقوقی باید به میزان بیشتری نسبت به برنامه رسمی رشته صورت پذیرد.

ج. فعالیت‌های اجرایی بدون ارتباط با حوزه تخصصی: مانند تصدی مسئولیت‌های حکومتی و اجرایی در قسمت‌های مختلف نهادها، سازمان‌ها و ارگان‌های اجرایی، تقنینی، نظامی و قضایی که قرار گرفتن در آن مسئولیت و وظایف محوله آن ارتباطی با حیطه تخصصی فقه و حقوق لزوماً نخواهد داشت.

هر کدام از این فعالیت‌ها اگر با هدف خدمت به نظام اسلامی صورت گیرد می‌تواند در جایگاه خود ارزشمند و صحیح باشد لیکن این فرد است که باید در مقام سنجش زمان و هزینه‌ی انجام شده در طول تحصیل، بستری را برای یک عمر فعالیت خود انتخاب نماید که با نیازهای دارای اولویت انقلاب اسلامی و در یک کلام رضایت باری تعالیٰ تناسب و هماهنگی داشته باشد. مسلماً در این بین در نظر گرفتن علائق و استعدادهای شخصی افراد نیز دارای اهمیت بالایی است.

## ۹. فقه و تلفیق علوم انسانی

همان‌طور که در گذشته نیز اشاره شد فقه علم تنظیم حیات بشر است لذا باید در هر مقطع زمانی و مکانی متناسب با نیازهای آن عصر و مصر توان نظریه‌پردازی پیرامون ساحت‌های مختلف فردی و اجتماعی زندگی امت اسلامی را دارا باشد. این امر امکان‌پذیر نیست مگر با استخراج نظام واره‌های فقه اسلامی در موضوعات کلان اجتماعی و حکمرانی و ابتناء بر مسائل

واقعی جامعه. این مسیر نیز محتاج ارتباط دانش فقه و حوزه‌های مختلف علوم انسانی است تا بتوان با استفاده از تجربه و عقل بشری در طول تاریخ علوم و الگوهای قواعد اداره اجتماعی و سیاست‌گذاری‌های کارآمد مبتنی بر وحی الهی را استخراج و استنباط نمود. این امر مستلزم توجه به این نکته است که اندیشه‌ورزی علمی آن هم در فضای روشنفکری باید مبتنی بر استخراج نظام معارف اسلامی در ارتباط با یکدیگر و همچنین ناظر به نیازها و مسائل روز جامعه باشد. لذا جنبش نرم‌افزاری که مقدمه نظام‌سازی اسلامی و در نهایت وصول به تمدن جهانی اسلام است محقق نمی‌شود مگر با تلفیق علوم انسانی مسئله محور با دانش‌های غنی اسلامی و همان‌طور که بیان شد «فقه الله الأکبر» مهمترین تراث از دانش‌های اسلامی است که با رسالت تنظیم حیات بشری نقش آفرینی محوری و اصلی را در این بین به عهده خواهد داشت.

در این عصر و در این مقطع از دوران گذار انقلاب اسلامی، باید تمامی تلاش‌های علمی معطوف به استخراج نظام‌واره‌های اسلامی مبتنی بر مسائل واقعی جامعه و طراحی مکاتب و نظام‌های علمی اسلامی در مقابل مکاتب و نظام‌های علمی الحادی باشد. فعالیتی که فقه مضاف با استفاده از الگوهای پیشینی همچون «اقتصاد‌دان» شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر می‌تواند با روش‌شناسی پویا و مترقبی از فقاهت جواهری ستی در مقابل اندیشه‌های به بن‌بست رسیده و نظریه‌های مغلوب غرب و شرق به منصه ظهور برساند. مسیری که بایسته است دانشجوی رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی در سطح عالی و با افق رسیدن به منطق و روش پویای تلفیق در راستای خدمت به انقلاب اسلامی مدنظر خود قرار دهد.

## منابع و مأخذ

۱. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۹)، حوزه و روحانیت، برگرفته از بیانات سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)؛ گردآورنده مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، تهران: انقلاب اسلامی.
۲. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۹ق)، اعلام الدين فى صفات المؤمنين، بيروت: مؤسسه آل البيت لاحياء التراث.